



تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۸/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۱/۱/۲۱

بررسی مفهوم «عدد چهار» و «حجاب» در نگاره هفتاد هزار پرده معراج‌نامه شاهرخی

سیده مریم عالم‌بین*

چکیده

نگاره هفتاد هزار پرده یکی از نگاره‌های کتاب معراج‌نامه شاهرخی است. یکی از مهم‌ترین نکاتی که با اولین نگاه به این نگاره به ذهن متبادر می‌شود، تقسیم‌بندی منحصر به فرد قاب آن به چهار پرده عمودی است که شاید نظیر این نوع ترکیب‌بندی در نگارگری ایرانی کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر باشد. با توجه به نام نگاره و همچنین مضمونی که نگاره متضمن آن است، سؤالاتی مطرح می‌شود: چرا از تقسیم‌بندی «چهار» گانه، برای نمایش «هفتاد هزار» پرده استفاده شده؟ آیا استفاده از تعداد «چهار» پرده تعمدی بوده است؟ آیا می‌توان بین چهار پرده به کار رفته و حجاب‌های چهار گانه ارتباطی یافت؟ مسئله مورد نظر در این مقاله بررسی واژه حجاب در فرهنگ اسلامی، بیان ارتباط میان حجاب و عدد چهار، و نشان دادن این است که تقسیم چهار گانه نگاره برای نشان دادن مفهوم حجاب‌های چهار گانه در اسلام به کار می‌رود. از دیدگاه عرفان اسلامی حجاب‌ها چهارند که همان صفات ردیله انسانی هستند و مانع از رسیدن انسان به حقیقت واقعی می‌شوند. تقسیم‌بندی چهار تایی نگاره نشان‌دهنده همین موانع چهار گانه درونی است. هدف از این تحقیق نشان دادن این مطلب است که هفتاد هزار حجاب نور و ظلمت همان حجاب‌های چهار گانه‌ای هستند که در نهاد انسان وجود دارند؛ با توجه به این حدیث نبوی که: «شیطان من مسلمان شده است»؛ این حجاب‌ها از پیش روی پیامبر (ص) در شب معراج کنار رفته است و در واقع چهار گانگی تقسیم‌بندی نگاره معنای کنار رفتن حجاب را در خود مستتر دارد. در این مقاله می‌بینیم که یکی از والاترین مفاهیم اسلامی - حجاب - در این نگاره مورد توجه قرار گرفته و به عنوان موانع نفسانی در مسیر لقاء پروردگار مطرح می‌شوند که از مقابل دیدگان پیامبر (ص) کنار رفته است و به همین دلیل از چهار پرده رنگی استفاده شده است. روشی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است، توصیفی-تحلیلی و نحوه گردآوری اطلاعات از طریق منابع کتابخانه‌ای است.

کلیدواژه‌ها: نگارگری، حجاب، عدد چهار، معراج‌نامه شاهرخی، شب معراج، هفتاد هزار پرده

مقدمه

در بررسی‌هایی که پیرامون معانی واژه حجاب در عرفان اسلامی صورت گرفته است، می‌بینیم که چهار نوع حجاب معرفی شده‌اند: ۱. دنیا، ۲. نفس، ۳. خلق و ۴. شیطان و در برخی منابع: ۱. آلودگی ظاهری، ۲. گناه، شک و تردید و گرفتار شدن به وسوسه‌های شیطانی، ۳. آلودگی به رذایل اخلاقی، و سرانجام ۴. گم شدن در وادی کثرات و تعینات و پرداختن به غیر.

این حجاب‌ها در نهاد انسان قرار دارند و انسان با مجاهدت و سیر در راه الله به برداشتن آنها عزم می‌کند و پس از برداشتن آنها طهارت می‌یابد. همان‌گونه که انسان برای نماز از نظر شرعی به طهارت جسمی نیاز دارد، در طریقت برای سیر در راه خدا نیز به طهارت روحی نیاز هست که او را برای نماز که معراج انسان مؤمن است آماده می‌کند. پس از برداشته شدن حجاب‌های چهارگانه انسان پاک و مخلص خداوند به درجه قرب الهی نائل می‌شود.

در نگاره هفتاد هزار پرده نیز تقسیم‌بندی چهارتایی تأکید بر این چهار حجاب دارد؛ یعنی به نوعی باید بیاموزیم که پیامبر(ص) را الگو قرار دهیم و با تهذیب نفس موانع درونی را از پیش روی برداریم تا به مدارج بالا صعود کنیم.

مسائل مورد نظر در این مقاله:

۱. بررسی واژه حجاب، در فرهنگ اسلامی که خداوند در آن قرآن را حائلی در برابر کشف حقیقت بر شمرده است.
۲. بیان ارتباط میان حجاب‌های چهارگانه و عدد چهار، در اسلام حجاب‌ها را چهار عدد می‌دانند که دنیا، نفس، خلق و شیطان هستند.
۳. نشان دادن این که تقسیم چهارگانه در نگاره برای نشان دادن مفهوم حجاب‌های چهارگانه در اسلام است.

پرسش‌ها

۱. چرا از تقسیم‌بندی «چهار» گانه برای نمایش «هفتاد هزار» پرده استفاده شده؟
 ۲. آیا استفاده از تعداد «چهار» پرده تعمدی بوده است؟
 ۳. آیا می‌توان بین چهار پرده به کار رفته و حجاب‌های چهارگانه ارتباطی یافت؟
- هدف از این تحقیق نشان دادن این مطلب است که هفتاد هزار حجاب نور و ظلمت شب معراج، همان حجاب‌های چهارگانه‌ای هستند که در نهاد انسان وجود دارند. در واقع نفس انسان شامل چهار ردیله اصلی است که حجاب و مانع انسان در رسیدن به معبود می‌شود. با توجه به این حدیث نبوی که: «شیطان من

مسلمان شده است»؛ این حجاب‌ها از پیش روی پیامبر(ص) در شب معراج کنار رفته است و پیامبر(ص) در شب معراج به دیدار پروردگار نائل می‌آید. نگارگر یا نگارگران با ترسیم لحظه بسیار مهم واقعه معراج حضرت رسول(ص) علاوه بر این که در پی نشان دادن عبور پیامبر(ص) از پرده‌های حجاب در شب معراج بوده، مفهوم این واقعه را نیز نمایش می‌دهد که پیامبر(ص) در جایگاه انسان کاملی است که پرده‌های حجاب نفس از مقابل دیدگانش کنار رفته و حجاب‌های چهارگانه را سپری کرده است.

در این مقاله که با رویکردی معنا محور به مطالعه مفهوم حجاب‌های چهارگانه در نگاره هفتاد هزار پرده می‌پردازد، حوزه تحقیق معنای واژه حجاب در قرآن، احادیث و عرفان اسلامی بوده است و این مفهوم در مضمون نگاره هفتاد هزار پرده مورد بررسی قرار گرفته است. با وجود منابع بسیار غنی در اسلام (قرآن و کتب حدیث) و با توجه به این که مطالعات تطبیقی در زمینه ارتباط میان مفاهیم قرآنی، احادیث و نگارگری ایرانی با مضامین مذهبی بسیار کم انجام شده است، می‌توان به ضرورت بحث حاضر پی برد و امید که مقالات علمی بسیاری در این زمینه ارائه شود زیرا نگارگری ایرانی با مفاهیم مذهبی کتبی که برای آن تصویرسازی شده‌اند، عجین است و این دو پدیده جدا نشدنی هستند؛ پس برای مطالعه عمیق‌تر مفاهیم موجود در این نگاره‌ها باید از منابع غنی اسلامی بهره فراوان گرفت.

سگای^۱ (۱۳۸۵) در کتاب «معراج‌نامه سفر معجزه‌آسای پیامبر(ص)» نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخی را همراه با شرح سفر معراج پیامبر(ص) آورده است. دشتگل (۱۳۸۳) در مقاله «متن نوشتاری نسخه خطی معراج‌نامه میرحیدر» متن کتاب معراج‌نامه شاهرخی را مورد بررسی قرار داده است. اما با وجود بررسی‌های انجام شده در مورد نگارگری و به‌طور خاص «نگارگری با موضوعات مذهبی»، تاکنون بررسی نگاره به‌صورت تطبیقی (تطبیق نگاره از لحاظ موضوعی با قرآن و تفاسیر) صورت نگرفته است. در این مقاله علاوه بر بررسی موضوع نگاره‌های معراج‌نامه شاهرخی با توجه به قرآن و تفاسیر و احادیث، هم‌زمان مفهوم حجاب در عرفان اسلامی نیز در آن بررسی می‌شود. چنین مطالعه‌ای با در نظر گرفتن سه وجه از یک نگاره، با موضوع معراج پیامبر(ص)، تاکنون انجام نشده است.

این مقاله مبتنی بر شیوه توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای با استفاده از منابع مکتوب است.

حق محبوب و ممنوع می‌دارد و جملگی آن عوالم مختلف دنیا و آخرت است که به روایتی هجده هزار عالم گویند و به روایتی هفتاد هزار عالم و به روایتی سی صد و شصت هزار است. آنچه از همه مناسب‌تر است هفتاد هزار است که در حدیث نیز آمده است: «إِنَّ اللَّهَ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنْ نُورٍ وَظِلْمَةٍ» و این هفتاد هزار عالم در نهاد انسان موجود است و به حسب هر عالم انسان را دیده‌ای است که به وسیله آن می‌تواند هر عالم را مطالعه کند که آن را کشف کند و حجاب‌های آن را از پیش روی بردارد.

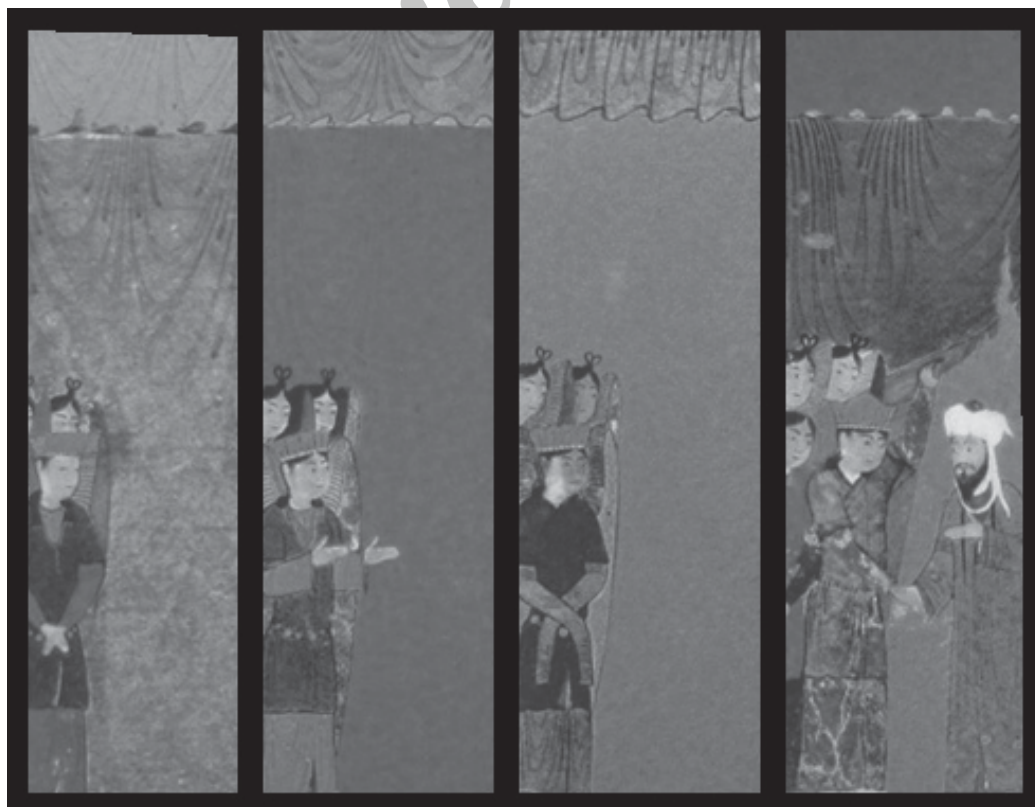
عدد چهار و ارتباط آن با حجاب‌های چهارگانه

عدد چهار نمادی از نفس کل انسان است. «چهار در حد عدد [...] بازتابی از نقش‌بندی تصویری نفس کل است که به‌گونه صفات فاعلی طبیعت (گرم، سرد، تر، خشک) و کیفیات انفعالی ماده (آتش، آب، هوا و خاک) ظاهر گشته است» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۴۹). نفس کل در انسان حایلی میان او و پروردگار است که مانع رسیدن او به معبود و درک حقایق الهی است. نجم‌الدین کبری «وجود را مرکب از چهار عنصر آب، خاک، هوا، آتش می‌داند که تمامی آنها ظلمت‌اند، آدمی تحت این ظلمات قرار دارد و هنگامی خلاصی می‌یابد که به حق متصل شود» (بلخاری، ۱۳۸۴: ۴۸۷). با آگاهی بر این

روش تحقیق در این مقاله بدین‌صورت است که در یک بررسی سه‌وجهی به حجاب و معنای واژه حجاب در قرآن، تفسیر المیزان و ادبیات عرفانی و ارتباط تنگاتنگ آن با عدد چهار و بررسی آن در نگاره هفتاد هزار پرده پرداخته شده است. ابزار تحلیل قرآن، تفاسیر و احادیث و نیز منابع عرفان اسلامی است. این ابزار برای تحلیل تطبیقی مفهوم حجاب و عدد چهار در نگاره هفتاد هزار پرده به کار رفته است.

تعریف واژه حجاب (پرده)

در قرآن کریم به حجاب اشاره شده است که خداوند آن را حائلی میان خود و بندگانی قرار داده است که نفس خود را معبود خویش قرار داده‌اند. «خداوند بر دل‌های آنان و بر شنوایی ایشان مُهر نهاده و بر دیدگان‌شان پرده‌ای و آنان را عذابی بزرگ است» (بقره/ آیه ۷). «پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش و دلش مُهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی‌گیرید؟» (جاثیه/ آیه ۲۳). «و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم» (اسراء/ آیه ۴۵). در واقع حجاب موانعی است که دیده بنده را از دیدار جمال



تصویر ۱. تقسیم‌بندی چهارگانه در نگاره هفتاد هزار پرده. (سگای، ۱۳۸۵: ۱۰۴)

مطلب که عدد چهار در عرفان اسلامی نماد حجاب محسوب می‌شود، به ذکر چند نمونه در منابع می‌پردازیم که در آنها به حجاب‌های چهارگانه اشاره شده است:

حجاب‌ها چهار است: «دنیا و نفس و خلق و شیطان. دنیا حجاب عباست، هر که با دنیا بیارامد عقبی بگذارد و خلق حجاب طاعت است، هر که بر پای خلق مشغول گردد، طاعت را بگذارد و شیطان حجاب دین است، هر که موافقت شیطان کند دین را بگذارد و نفس حجاب حق است هر که به هوای نفس رود خدای بگذارد. چنان که خدای می‌گوید: «آیا آن کس که هوای نفس خود را معبود خویش گرفته است دیدی؟ آیا [می‌توانی] ضامن او باشی؟» (فرقان/ آیه ۴۳) و در سوره جاثیه می‌فرماید: «پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است؟» (جاثیه/ آیه ۲۳). «تا این چهار حجاب از پیش دل برنخیزد، نور معرفت در دل راه نیابد» (گوهرین، ۱۳۶۸: ۱۶۶).

در منبعی دیگر نیز حجاب چهار دانسته شده است: «اولین مانع آلودگی ظاهری است. مانع دوم گناه، شک و تردید و گرفتار شدن به وسوسه‌های شیطانی است. سه دیگر آلودگی به ذرایل اخلاقی است و سرانجام، سخت‌ترین مانع، گم‌شدن در وادی کثرات و تعینات و پرداختن به‌غیر است. سالک می‌کوشد تا در جریان سلوک این چهار مانع را [...] از پیش بردارد» (شبستری، ۱۳۸۶: ۴۲).

در کتاب شرح اصطلاحات تصوف اشاره‌ای به طهارت ساختن از طریق برداشتن حجاب‌ها شده است: «این چهار حجاب را از پیش برداشتن به‌مثابه طهارت ساختن است و هر که این چهار حجاب را از پیش برداشت، طهارت ساخت و در طهارت دایم است» (گوهرین، ۱۳۶۸: ۱۷۳). شبستری در گلشن راز نیز به‌دست‌آوردن طهارت از طریق کناررفتن حجاب‌های چهارگانه اشاره کرده است:

موانع تا نگردانی ز خود دور
 درون خانه دل نایدت نور ۴۰۳/ ۲

موانع چون درین عالم چهار است
 طهارت کردن از وی هم چهار است ۴۰۴/

نخستین گام از احوادث و آنجاس
 دوم از معصیت وز شرّ وسواس ۴۰۵/

سیم پاک‌ی ز اخلاق ذمیمه است
 که با او آدمی هم چون بهیمه است ۴۰۶/

چهارم پاکی سَر است از غیر
 که اینجا منتهی می‌گرددش سیر ۴۰۷/

هر آن کو کرد حاصل این طهارات
 شود بی‌شک سزاوار مناجات ۴۰۸/

تو تا خود را به‌کلی درنبازی
 نمازت کی شود هرگز نمازی ۴۰۹/

چو ذات پاک گردد از همه شین
 نمازت گردد آنکه قرّة‌العین ۴۱۰/ ۳

نماند در میانه هیچ تمییز
 شود معروف و عارف جمله یک چیز ۴۱۱/

در این ابیات شبستری موانع را چهار دانسته و رفع آن موانع را نیز - که باعنوان طهارت مطرح می‌کند - چهار می‌داند. محمد لاهیجی بزرگ‌ترین شارح گلشن راز در شرح این ابیات اشاره می‌کند که سیر سالک در این چهار مورد طهارت به‌نهایت می‌رسد. چنان‌که در شریعت هر که بدن و جامه‌اش پاک نباشد نمازش درست نیست، در طریقت نیز هر که نفسش از اخلاق ذمیمه پاک نباشد نمازش نتیجه ندارد و موجب وصول نمی‌شود و پاکی حقیقی ندارد. هر که ظاهراً و باطناً پاک شد، سزاوار و لایق مناجات - که مراد نماز است - می‌شود و نهایت نماز که کمال قرب و مواصلت حقیقی است، به حصول موصول می‌گردد و حقیقت «الصلوة معراج المؤمن» ظهور می‌یابد (لاهیجی، ۱۳۷۱: ۲۹۸). در اینجا لاهیجی به نماز که معراج مؤمن است اشاره کرده است که وسیله قرب و نزدیکی به پروردگار دانسته شده است و ذکر این نکته ضروری است که گذر از هفتاد هزار پرده برای پیامبر (ص) نیز، در شب معراج ایشان رخ داده است. پس از تشریح واژه حجاب و ارتباط آن با عدد چهار، به مطالعه نگاره هفتاد هزار پرده می‌پردازیم. اما پیش از آن به ذکر مشخصات کلی کتاب معراج‌نامه شاهرخی پرداخته می‌شود.

معراج‌نامه شاهرخی

نگاره هفتاد هزار پرده یکی از نگاره‌های بی‌نظیر کتاب معراج‌نامه شاهرخی است (تصویر ۲). این کتاب ارزشمند در میان ذخایر نفیس نسخه‌های خطی شرقی کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود و مزین به سه نوع خط است که به سه زبان عربی، ترکی و اوغوری نگارش شده است. متأسفانه از نگارگر یا نگارگران این کتاب باارزش اطلاعی در دست نیست و فقط می‌دانیم که این اثر در دربار شاهرخ در دوره تیموری

تصویری، ترکیب‌بندی رنگی و نیز به کارگیری سطوح وسیع رنگی با قاب تصویری مستطیل شکل عمودی در نقاشی ایرانی بی‌نظیر است. جسارت نگارگر در به کارگیری عناصر بصری برای خلق این اثر، آن را به نقطه اوج نگاره‌های این کتاب مبدل ساخته است و شاید بتوان آن را نقطه اوج جسارت نگارگری ایرانی دانست.

تعداد پیکره‌های تصویر شده در این نگاره چهارده عدد است؛ که سیزده فرشته در سمت چپ قاب تصویر و حضرت محمد(ص) در سمت راست قاب تصویر نشان داده شده است. نگاره به چهار قاب مستطیل عمودی تقسیم شده و هر پرده خود به دو بخش قسمت شده است که با رنگ دیگری در بالای هر پرده نشان داده شده است. رنگ پرده‌ها آبی/قرمز، طلایی/بنفش، قرمز/سبز، بنفش/زرد به نشان نور، یاقوت آتشین، سنبل، مروارید و طلا است. این پرده‌ها نماد حجاب‌های نور و ظلمت هستند.

حضرت محمد(ص) در سمت راست تصویر با اشاره دست و جهت ایستادن، نگاه بیننده را به سمت چپ قاب تصویر منتقل می‌کند و در مقابل جهت قرارگیری فرشته‌ها جهت نگاه را به سمت راست تصویر منتقل می‌کند (تصویر ۲).

این حرکت افقی مانع از متوقف شدن چشم بیننده در یک نقطه از قاب تصویر می‌شود و این حرکت با ایستایی سطوح وسیع رنگی به کار رفته تضادی را سبب می‌شود که نگاه بیننده را هم چنان به خود می‌دوزد. لباس حضرت رسول(ص) به رنگ سبز است. «سبز مکمل سرخ است، نماینده آب است. [...] زرد و آبی روی هم آمیزه‌ای متعادل از سبز به دست می‌دهند که سرخی پس‌دید آن است. سبز با دو ساحت فطری‌اش که گذشته یا ازلیت (آبی) و آینده یا ابدیت (زرد) باشند و با ضدش، زمان حال سرخ‌فام، نشانه امید، باروری و جاودانگی است» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۵۰) و عمامه‌ای سفیدرنگ به سر دارد. رنگ «سفید غایت یک پارچگی همه رنگ‌هاست، پاک و بی‌آلایش. نور، که از لحاظ نمادین سفید تلقی می‌شود، از خورشید نازل می‌شود و نماد توحید است» (همان، ۴۹-۵۰) و با دست راست خود اشاره به سمت چپ تصویر دارد. شایان ذکر این‌که این عربی درباره جهت چپ و راست مطلبی در فتوحات مکیه آورده است که عین آن را به شرح ذیل در این مقاله بیان می‌کنیم:

«نظره و نگرش، شمالی و از جانب چپ بود و فطرت، بر نشأ کمال، هر دو در اصل وضع - در نقطه دایره - مقابل هم قرار گرفتند، بنابراین بخش جان و روحش از جانب راست نقاب بر رخ دارد و از جانب چپ مکشوف و آشکار است و اگر نظره و نگرش از جانب راست مکشوف و آشکار بود، در نخستین نگرشش در مشاهده تعیین، به مقام تمکین نایل

خلق شده است. این سند ارزشمند خطی و مصور ایران عصر تیموریان، اثری مفصل در مورد عروج عارفانه حضرت محمد(ص) است و بر طبق صفحه پایان کتاب (انجامه) به سفارش «شاهرخ میرزا» ۸۰۷-۸۵۱ ه.ق. (۱۴۰۴-۱۴۷۴ م)، چهارمین پسر تیمور گورکانی در سال ۸۴۰ ه.ق. (۱۴۳۶ م)، تهیه و کتابت [و تصویرسازی] شده است. نسخه مورد نظر علاوه بر محتوای مذهبی خاص به لحاظ شیوه توصیف تصاویر آن و هم به لحاظ تحولات خط در متن نوشتاری، اهمیتی ویژه در هنر جهان اسلام دارد.

نسخه معراج‌نامه در کارگاه شاهرخ در شهر هرات استنساخ و مصور شده است. قطع صفحات نسخه به ابعاد تقریبی ۲۲/۵×۳۲ سانتی‌متر و متن مصور آن در ابعاد و اندازه‌های متنوع و عموماً در قاب تصویری مربع به تصویر درآمده است (شین‌دشتگل، ۱۳۸۳: ۶۸).

«در زمان سلطنت شاهرخ پیشرفت‌های مهمی در حیات فرهنگی، به‌خصوص در حوزه هنرها و تحقیقات فکری صورت گرفت. این پیشرفت‌ها شامل نقاشی، به‌ویژه نگارگری (میناتور) و خوشنویسی، معماری، موسیقی، تاریخ‌نگاری و فقه و کلام اسلامی بود» (پژوهش از دانشگاه کمبریج، ۱۳۷۹: ۱۱۳ و ۱۱۴). نتیجه‌ای که از این طرفداری، حمایت و علاقمندی حاصل شد آن‌که مطالعات و مباحثات دینی رواج بسیار یافت و تعداد کسانی که به جامعه اهل مذهب وارد می‌شدند، فزونی گرفت. مساجد، خانقاه‌ها، مکاتب و مدارس بسیار در اکناف کشور ساخته شد و مذهب بیش از پیش بر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی تسلط یافت (یارشاطر، ۱۳۸۳: ۱۵).

«پادشاهان بعد از تیمور مانند شاهرخ، ابوسعید و سلطان حسین بایقرا همه سر ارادت و تکریم به آستان مشایخ این سلسله [فرقه‌های تصوف رایج در این دوره] نهادند و فوز و فلاح دو دنیا را از انفاس قدسیه ایشان می‌طلبیدند و در امور معاش و معاد از ایشان راهنمایی و هدایت می‌جستند» (میرجعفری، ۱۳۸۱: ۱۷۸).

پس همان‌طور که ذکر آن رفت، این کتاب در دوره‌ای مصور شده است که نمی‌توان تأثیر عرفان اسلامی را در نگاره‌های آن نادیده گرفت و چندان دور از ذهن نیست که تأثیر این دیدگاه‌های عرفانی را در به‌تصویر کشیدن مضامین مذهبی، توسط نگارگران درباری، در نگاره‌های این کتاب مؤثر بدانیم.^۴

نگاره هفتاد هزار پرده

نگاره هفتاد هزار پرده یکی از زیباترین آثار معراج‌نامه شاهرخی است که از میان نگاره‌های این کتاب ویژگی‌های تصویری خاصی دارد. این اثر از لحاظ ترکیب‌بندی عناصر

می گشت؛ واشگفتا! از آن کس که در اعلا علیین و بالاترین درجات است و پندارد که در پست ترین مراحل می باشد: اعدو بالله ان اکون من الجاهلین، یعنی: از نادان بودنم به خدا پناه می برم (بقره/ آیه ۶۷). پس جانب چپ نظره و نگرش، طرف راست گرداننده و مدبرش است و وقوفش در موضعی که در آن پدید آمده است، عبارت از نهایت مسیرش می باشد» (ابن عربی، ۱۳۸۴: ۱۳۳ و ۱۳۴).

در این مطلب ابن عربی اشاره دارد به کنار رفتن حجاب و رفع پوشیدگی در جهت چپ و مستور بودن در جهت راست. او ضمن توضیح دلیل اختصاص چنین ویژگی هایی به این جهات گفته است که از جانب راست نقاب وجود دارد، یعنی پوشیده و پنهان است و قابل کشف نیست. جهتی که منظور اصلی ابن عربی بوده و آن را جهتی دانسته است که راه را نزدیک تر می کند، جهت چپ است که آن را مکشوف و آشکار می داند. دور سر مبارک پیامبر (ص) هاله ای از نور با رنگ طلایی به نمایش درآمده است که نوع طلایی به کار رفته در آن با نوع طلایی پرده و تزئینات لباس ها و تاج های فرشتگان متفاوت است. در قاب تصویر (پرده) ای که محمد (ص) در آن نشان داده شده، فرشته ای که مقابل حضرت ایستاده نیمی از پرده را با دست چپ بالا زده و نور آن سوی پرده با رنگ طلایی نشان داده شده است (تصویر ۳). این فرشته لباسی نیلی و سبز به تن دارد با تاجی طلایی بر سر که سه پرده دارد و با دست راست با حضرت محمد (ص) دست می دهد. پشت او سه فرشته دیگر قرار دارند که موهای دو تن از آنان به شیوه مغول ها بسته شده است.

در کنار پرده طلایی رنگ (تصویر ۴) سه فرشته دیگر ترسیم شده است. فرشته ای که در جلو قرار گرفته، تاجی طلایی با چهار پرده و لباسی قهوه ای و آبی به تن دارد، بال هایش به رنگ زرد و بنفش است و دو دست خود را به نشان احترام روی هم قرار داده است به طوری که آستین ها روی دست ها قرار گرفته اند^۵ و دو فرشته که پشت او قرار گرفته اند، موهایی بافته دارند و قسمتی از بال هایشان با رنگ آکر و سبز نشان داده شده است.

در کنار پرده قرمز رنگ (تصویر ۵) نیز سه فرشته با ترتیب قبلی قرار گرفته اند که لباس فرشته جلویی آبی و نارنجی است و بال هایش به رنگ صورتی و سبز رنگ آمیزی شده است و با دو دست به سوی پرده ها اشاره می کند.

سرانجام در کنار پرده بنفش رنگ (تصویر ۶)، با هم سه فرشته با همان ترتیب ها ترسیم شده اند. فرشته جلویی با لباسی یشمی و قرمز و بال های زرد و نارنجی و تاج طلایی

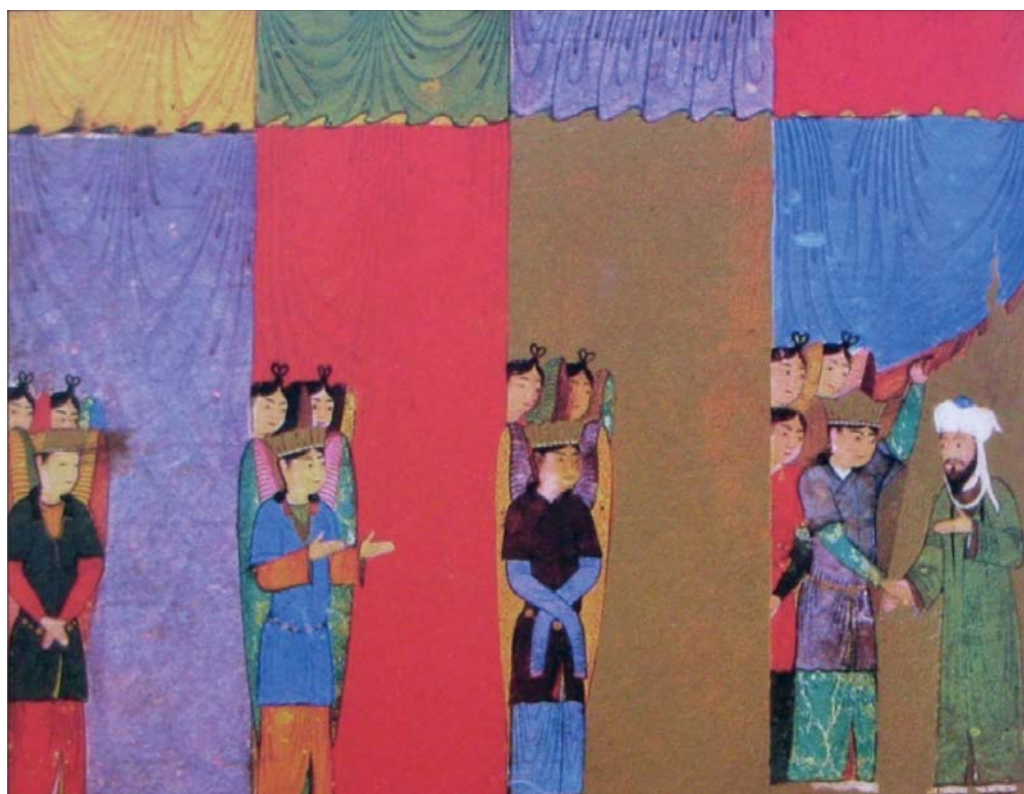
چهارپر نشان داده شده و قسمتی از بال های دو فرشته دیگر با رنگ های سبز، آبی و قرمز نیز نمایان است. روی کمر بندهای چهار فرشته ای که در نمای جلو نشان داده شده اند، تزئینات طلایی و روی یقه لباس دو فرشته ای که در کنار پرده های قرمز و بنفش قرار گرفته اند، تزئینات طلایی رنگ دیده می شود. تمامی رنگ های به کار رفته در لباس ها با رنگ های به کار رفته در پرده ها متفاوت است.

رنگ های مکملی که در کنار هم قرار گرفته اند، نگاره را به چهار بخش اصلی تقسیم می کند. «در سلسله مراتب تعیین فضایی، شکل ها به سطح های خود محدودند. از این رو، سطح ها می توانند کارکردی دوگانه داشته باشند؛ جسماً می توانند شکل را حدود بخشند و از این رهگذر، فضاهای کیهانی این جهانی را متبلور سازند. از لحاظ معنی ممکن است با توسعه کیفیات متعالی شان نفس را فراسوی مکان های دست ساز آدمی به درجات عالی تری از درون بینی رهنمون شوند» (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۳۳). در این نگاره نیز این کارکرد دوگانه وجود دارد که با تقسیم کردن اثر به چهار سطح رنگی حدود پدید آمده است و در معنای اثر با در نظر گرفتن عدد چهار به عنوان نمادی از حجاب، می بینیم که چطور سطوح پرده های چهارگانه، انسانی متعالی را به فراسوی این جهان در پس پرده های حجاب و جهانی مثالی نزد پروردگار رهنمون شده است.

مضمون نگاره هفتاد هزار پرده

مضمونی که نگاره هفتاد هزار پرده به تصویر می کشد، اشاره به گذر پیامبر (ص) در شب معراج از حجاب هایی است که در آسمان هفتم با آنها مواجه می شود. این حجاب ها که در این شب از پیش روی پیامبر (ص) کنار می روند، نمادی از نفس هستند که بنا به حدیث نبوی: «شیطان من مسلمان شده است» (شیمل، ۱۳۸۷: ۳۳۰) پیامبر (ص) کاملاً بر نفس خویش مسلط بود و حجاب های چهارگانه از پیش روی ایشان کنار رفته بودند. در تفسیر المیزان نیز به وجود حجاب های چهارگانه اشاره شده است که حتی میان فرشتگان مقرب و پروردگار وجود دارند: «جبرئیل در معراج پس از گذر از آسمان هفتم به حضرت رسول (ص) گفت: میان خدا و خلقش هفتاد هزار حجاب است و از همه خلائق نزدیک تر به خدا من و اسرافیل و بین ما و خدا چهار حجاب فاصله است حجابی از نور، حجابی از ظلمت، حجابی از ابر و حجابی از آب» (موسوی همدانی، ۱۳۵۳: ۲۴).

خانم ماری رز سگای در کتاب خود این توضیحات را برای نگاره عنوان کرده است: «در آن سوی هفت آسمان در فضای لایتناهی،



تصویر ۲. نگاره هفتاد هزار پرده، معراج‌نامه شاهرخی. (۸۴۰ ه.ق./۱۴۳۶ م.). (سگای، ۱۳۸۵: ۱۰۴)



تصویر ۵ و ۶. (از راست به چپ) بخشی از نگاره هفتاد هزار پرده، معراج‌نامه شاهرخی. (سگای، ۱۳۸۵: ۱۰۴)

تصویر ۳ و ۴. نگاره هفتاد هزار پرده، معراج‌نامه شاهرخی. (۸۴۰ ه.ق./۱۴۳۶ م.). (سگای، ۱۳۸۵: ۱۰۴)

حضرت محمد(ص) هفتاد هزار پرده را می‌بیند که از نور، یاقوت آتشین، سنبل، مروارید و طلا ساخته شده است. هریک از پرده ها، توسط هفت گروه از موجودات فرشته‌گون نگهبانی می‌شود. پیامبر به وسیله فرشتگان راهنما از بین این هفتاد هزار پرده با موفقیت می‌گذرد و عرش الهی را که از سنبل قرمز ساخته شده است می‌بیند» (سگای، ۱۳۸۵: ۱۰۰).

مقام کشف حجاب‌های چهارگانه فقط مختص پیامبر(ص) است چنان‌که در کتاب شرح اصطلاحات صوفیه- به نقل از فوایح الجمال در تحفه‌البرره- نیز گفته شده است: تنها این حجاب‌های نور و ظلمت از پیش روی حضرت محمد(ص) کنار رفته است و با مثالی^۶ این مطلب را اثبات می‌کند (گوهرین، ۱۳۶۸: ۱۷۲).

در نگاره هفتاد هزار پرده، نگارگر سعی کرده است از عناصر بصری‌ای سود جوید که معانی را بهتر انتقال دهد. از این نظر نیز این نگاره اثری بی‌نظیر محسوب می‌شود که با استفاده از عناصر تجسمی اسراری را نشان می‌دهد که در عرفان آن زمان بسیار متداول بوده است و نگارگر با استفاده از این مفاهیم، ماورایی بودن موضوع نگاره را تشدید و تأکید می‌کند. ایستایی و نیرومندی در پرده‌های عمودی، تعادل و سکونی در قسمت بالایی پرده‌ها و حرکت و تهییج در پرده موری که فرشته مقابل حضرت رسول(ص) بالا برده است، به این امر بیشتر کمک می‌کند.

تطبیق حجاب‌های چهارگانه و نگاره هفتاد هزار پرده

مطابقت این دو موضوع را می‌توان در سه مورد بیان کرد:

۱. تقسیم چهارتایی قاب تصویر
۲. جهت حضرت محمد(ص) در نگاره
۳. گذر کردن پیامبر(ص) از هفتاد هزار پرده نور و ظلمت در شب معراج که مطابق روایات و تفاسیر قرآن بر پیامبر(ص) اسراری مکشوف گردیده است. در مقام «قاب قوسین او ادنی»^۷، زمانی که فاصله او با پروردگار به اندازه دو کمان رسیده بود، پیامبر(ص) با پروردگار گفتگویی داشت و اسراری بر او هویدا شد که هیچ انسانی از آن مطلع نیست و هیچ کس تا به حال به آن مقام دست نیافته است.

در معراج حضرت رسول(ص)، پس از گذر از مقامات آسمان‌ها و دیدن آیات شگفت الهی، پیامبر از هفتاد هزار حجاب نور و ظلمت گذر می‌کند. «بنا به حدیث نبوی، خداوند پشت هفتاد هزار حجاب نور و ظلمت پنهان است و اگر آن حجاب‌ها برافتد، نگاه پروردگار بر هر که و هر چه افتد، فروغ و درخشندگی و جهش آن همه را می‌سوزد. حجاب‌ها از نورند تا ظلمت

الهی را مستور دارند و از ظلمت‌اند تا حجاب نور الهی باشند» (بلخاری، ۱۳۸۴: ۵۱۵). ابن عربی در فصوص‌الحکم درباره این حجاب‌ها می‌گوید: «حق خود را با حجاب‌های ظلمانی که اجسام طبیعی هستند و حجاب‌های نوری که ارواح لطیف هستند موصوف ساخت» (ایزوتسو، ۱۳۸۵: ۵۴). این حجاب‌ها همان‌طور که پیش از این اشاره شد، چهارند و نمادی از نفس انسان که مانع میان او و خداوند می‌شوند. کنار رفتن این چهار حجاب (نفس) با ریاضت و تمرین و پیروی از پیامبر(ص) محقق خواهد شد. نجم رازی در مرصادالعباد این‌گونه به تعریف حجاب و شرایط کنار رفتن آنها پرداخته است: «حقیقت کشف از حجاب بیرون آمدن چیزی است بر وجهی که صاحب کشف، ادراک آن چیز کند که پیش از آن درک نکرده باشد» (نجم‌الدین رازی، ۱۳۷۳: ۳۱۰). در گذر حضرت محمد(ص) از هفتاد هزار پرده حجاب حقایقی برای ایشان کشف می‌شود که پیش از آن درک نکرده بودند. همان‌طور که در تفسیر المیزان نیز آمده: در معراج حضرت رسول(ص) جبرئیل(ع) به حضرت گفت: «ای محمد آنچه می‌بینی به نظرت عظیم و تعجب‌آور می‌آید، اینها که می‌بینی یک خلق از مخلوقات پروردگار تو است، پس فکر کن خالق که اینها را آفریده چقدر بزرگ است با این که آنچه تو ندیده‌ای خیلی بزرگ‌تر است از آنچه دیده‌ای» (موسوی همدانی، ۱۳۵۳: ۲۴).

در این نگاره چهار تقسیم‌بندی نشان از چهار حجابی دارد که در نهاد دورن انسان نهفته است که برای پیامبر(ص) مکشوف و کنار رفته است. نگارگر حتی با قراردادن پیامبر(ص) در سمت راست قاب تصویر و جهت ایشان به سوی چپ قاب تصویر بر این موضوع تأکید می‌ورزد- شرح آن را پیش از این در توضیح جهانی که در فتوحات مکیه مطرح شده، آوردیم که جهت راست پوشیده و مستور و جهت چپ آشکار و مکشوف است.

پس می‌بینیم که هفتاد هزار پرده شب معراج پیامبر(ص) از طریق تقسیم‌بندی قاب نگاره به چهار تقسیم عمودی به نماد حجاب‌های نفسانی انسان به تصویر درآمده که نشان دهنده مقام والای پیامبر(ص) است. در اسلام تأکید بسیاری بر مبارزه انسان با هواهای نفسانی شده است و این که نفس انسان به صورت حجاب‌هایی مانع رسیدن انسان به حقایق و به همین دلیل حائل میان انسان و خداوند هستند. فرد باید با تزکیه نفس و الگو قراردادن پیامبر گرامی اسلام(ص) به مبارزه با نفس خویش بپردازد و این حجاب‌ها را از پیش روی خود بردارد تا بتواند حقایقی را درک کند که حضرت رسول(ص) سعی در تبیین آن داشتند.

جدول ۱. تطبیق سه‌وجهی میان عدد چهار، حجاب و نگاره هفتاد هزار پرده

مطابقت معنایی با تقسیم‌بندی چهارگانه نگاره	اشتراک	ویژگی	مفهوم	توضیحات موارد
تقسیم‌بندی چهارگانه نگاره مطابقت معنایی با عدد چهار دارد	- در معراج پیامبر(ص) حجاب‌های نفس از مقابل دیدگان آن حضرت کنار می‌رود - هدف از معراج پیامبر(ص): رسیدن پیامبر(ص) به شهود باطنی و دیدن عظمت خداوند در پهنه آسمان‌ها و نیز استفاده از نتایج عرفانی و تربیتی	کیفیت انفعالی ماده و صفات فاعلی طبیعت	نماد حجاب و نفس انسان	عدد چهار
مکشوف‌گشتن حقایق با کناررفتن حجاب‌های چهارگانه در شب معراج برای حضرت محمد(ص)	کشف اسراری در شب معراج بر پیامبر(ص)	حجاب‌ها چهارند: دنیا، نفس، خلق و شیطان	- حائل میان خدا و بندگان - مظهر بردیدگان و شنوایی و بینایی و دل‌ها	حجاب
کناررفتن موانع نفسانی پیامبر(ص) و نائل‌گردیدن پیامبر(ص) به مقام خلیفه‌اللهی	- تأکید بر مضمون نگاره با تقسیم‌بندی قاب آن به چهار قسمت اصلی - نمایش نمادین حجاب‌های چهارگانه با کناررفتن حجاب‌های نور و ظلمت	چهار تقسیم‌بندی اصلی قاب نگاره که در نگاره اول این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که چرا از چهار تقسیم‌بندی برای نمایش هفتاد هزار حجاب استفاده شده است؟	گذر کردن حضرت محمد(ص) از هفتاد هزار حجاب نور و ظلمت	نگاره هفتاد هزار پرده 

(نگارنده)

نتیجه‌گیری

نگاره «هفتاد هزار پرده» یکی از نگاره‌های کتاب معراج‌نامه شاهرخی است. مضمون این نگاره یکی از اتفاقاتی است که در شب معراج بر پیامبر(ص) روی می‌دهد و آن این است که پیامبر(ص) از هفتاد هزار حجاب نور و ظلمت گذر می‌کند و در عرش به دیدار پروردگار نائل می‌شود. در این نگاره، سطوح رنگی وسیعی قاب اثر را به چهار پرده عمودی تقسیم می‌کند که نشانه هفتاد هزار حجاب نور و ظلمتی است که از مقابل پیامبر(ص) کنار می‌رود. یکی از اهدافی که در تفاسیر برای سفر معراج پیامبر(ص) ذکر شده است، کشف اسرار نهانی است که خداوند در این شب بر پیامبر(ص) آشکار کرد. حال با توجه به مفهوم حجاب در قرآن، احادیث و تفاسیر می‌بینیم که چطور این نگاره کناررفتن حجاب‌ها را از مقابل پیامبر(ص) برای کشف حقایق الهی نشان می‌دهد. در عرفان اسلامی و نیز ادبیات عارفانه می‌بینیم که حجاب‌های مذکور چهار عدد هستند و در این نگاره برای اشاره به آن حجاب‌ها از تقسیم‌بندی چهارگانه استفاده می‌شود. بدین ترتیب در این نگاره نظاره‌گر تدبیر هوشمندانه‌ای هستیم که از ارتباط ظریف میان عدد چهار به عنوان نمادی از حجاب‌های نفسانی استفاده شده تا «هفتاد هزار پرده»‌ای نشان داده شود که در شب معراج از مقابل پیامبر(ص) کنار رفته است و ایشان به اسرار الهی نائل گشتند.

در این مقاله می‌بینیم که چطور یکی از آموزنده‌ترین مفاهیم والای عرفان اسلامی (موانعی که حجاب‌های نفسانی در مسیر حق ایجاد می‌کنند) مورد توجه قرار گرفته و به نمایش درجوده‌های این معنی پرداخته شده است. این خود از اعتقاد و باور به نمادهای دینی نشئت گرفته و بیننده را ناخودآگاه به فکر فرومی‌برد و همانند تکانه‌ای برای او به سوی رهایی از موانع، بندها و در نتیجه رسیدن به حقیقت حق است.

پی‌نوشت

1- Seguy

۲- شماره ابیات گلشن راز در این مقاله از کتاب گلشن راز اثر شیخ محمود شبستری، مقدمه و تصحیح و توضیحات صمد موحد، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۸۶ گرفته شده است.

۳- اشاره به حدیث «حب الی من دنیاکم ثلاث الطیب و النساء و قرّة عینی فی الصلوة» یعنی چون ذات و حقیقت تو از همه شین و عار تعینات و هستی که موجب حجاب است، پاک گردد و تویی تو به کلی در حق محو و متلاشی شود، نماز تو آن زمان قرّة‌العین گردد و وصلت حقیقی میسر شود (لاهیجی، ۱۳۷۱: ۲۹۸).

۴- البته مطالعه تأثیرات فرقه‌های رایج در دوره شاهرخ تیموری، خود به مطالعه‌ای مستقل نیاز دارد که در حیطه این پژوهش نمی‌گنجد. به‌همین سبب در اینجا فقط به آراء مشهور در این دوره اشاره می‌شود:

در دربار تیموریان هرات آثار و آراء ابن عربی افکار حاکمان و دیوانیان را به خود مشغول کرده بود (ابن عربی، ۱۳۶۷: مقدمه). بعد از آن که در قرن هفتم عرفان جنبه علمی و اثباتی پیدا کرد و در قرن هشتم در کتب موضوع علوم و در مدارس محل ممتازی برای ثبت و تعلیم یافت، در قرن نهم همان وضع را توانست ادامه دهد. جنبه وحدت وجودی و ظهور شدیدی که در عقاید فرقه حروفیه وجود دارد نوعی از همین فکر است که در طریقه محی‌الدین ابن عربی و پیروان او هم به‌جای خود در تعلیمات صوفیه ادامه داشت (صفاء، ۱۳۸۰: ۷۳). آراء و آداب محی‌الدینی مورد توجه و اقتباس بیشتری به ارباب طریق صوفیه پس از سده هشتم بوده است (همان: مقدمه).

همان‌طور که ذکر آن رفت، دوره شاهرخ دوران توجه دربار به عرفا و رواج عرفان اسلامی است. خصوصاً آرای عارف بزرگ ابن عربی در این دوره بسیار رواج داشته و مورد توجه بوده است. در این مقاله سعی شده است که از آرای عرفای مربوط به این دوره و حتی پیش از آن، در تطبیق معنایی رموز موجود در نگاره هفتاد هزار پرده استفاده شود و با توجه به معنایی که از «حجاب» اخذ می‌شود، به تطبیق مفهومی آن با این نگاره پرداخته شود.

۵- «رسم چینیان درباره فشردن دست‌های خود، که غالباً آن را در آستین پنهان می‌کنند علامت احترام و مشابه رسم غربی دست‌دادن است و حاکی از این بود که دست‌ها را برای تجاوز به کار نمی‌برند» (هال، ۱۳۸۳: ۲۲۸).

۶- در این کتاب با مثالی از حضرت عیسی (ع) این مطلب را شرح داده است که حجاب‌های نورانی از پیش روی عیسی کنار نرفته بود: «بر عیسی (ع) صفات روحانیت غلبه داشت و به‌همین جهت با امور جسمانی مأنوس نشد و شهوات نفسانی او را گرفتار نکرد و بدان شهوات مبتلا نگردید و خدای تعالی او را تا مرکز روحانیان بالا برد. اما همان‌طور که صفات نفسانی ظلمانی حجاب است، صفات روحانی نیز حجاب است، چه "خدای تعالی را هفتاد هزار حجاب از نور و ظلمت است." اما عیسی از صفات ظلمانی جسمانی درگذشت و در صفات نورانی روحانی باقی ماند و آن از این جهت بود که خروج از ظلمات نفس و تاریکی‌های آن به قوت و نیروی روح ممکن است ولی خروج از نور روح ممکن نیست مگر به جذبه حق سبحانه تعالی که فقط به محبوبان درگاهش تعلق گیرد و حق سبحانه و تعالی هیچ‌کس را به کمال محبوبیت نرساند، مگر آن‌که از مصطفی (ص) پیروی کند و متابع او باشد» (گوهرین، ۱۳۶۸: ۱۷۲).

۷- اشاره دارد به آیه: «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ، تا فاصله‌اش به قدر طول دو کمان یا نزدیک‌تر شد» (نجم/آیه ۹). این سوره اشاره به رسیدن حضرت محمد (ص) به عرش الهی دارد که در آنجا با خداوند گفتگو کرده است و اسرار آن بر هیچ‌کس آشکار نیست.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه. (۱۳۸۱). مترجم حجة الاسلام محمد دشتی. تهران: وجدانی.
- ابن عربی، محمدبن علی. (۱۳۸۴). فتوحات مکیه. ترجمه و تعلیق محمد خواجوی. جلد ۱. تهران: مولی.
- ابن عربی، محی‌الدین. (۱۳۶۷). رسائل ابن عربی (ده رساله فارسی شده). مقدمه، تصحیح و تعلیقات نجیب مایل هروی. تهران: مولی.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). حس وحدت، سنت عرفانی در معماری اسلامی. ترجمه حمید شاهرخ. تهران: خاک.



- ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۸۵). صوفیسم و تائوئیسم. ترجمه محمدجواد گوهری. تهران: روزنه.
- بلخاری قهی، حسن. (۱۳۸۴). مبانی عرفانی هنر و معماری اسلامی. کیمیای خیال. دفتر دوم. تهران: سوره مهر.
- پژوهش از دانشگاه کمبریج. (۱۳۷۹). تاریخ ایران دوره تیموریان. ترجمه یعقوب آژند. چاپ دوم. تهران: جامی.
- رازی، نجم‌الدین. (۱۳۷۳). مرصادالعباد من المبدأ الی المعاد. به‌اهتمام محمدامین ریاحی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سگای، ماری‌رز. (۱۳۸۵). معراج‌نامه سفر معجزه‌آسای پیامبر(ص). ترجمه مهناز شایسته‌فر. تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- شبستری، محمود. (۱۳۸۶). گلشن راز. مقدمه، تصحیح و توضیحات صمد موحد. تهران: طهوری.
- شیمل، آن‌ماری. (۱۳۷۴). ابعاد عرفانی اسلام. ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی. چاپ ششم. تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.
- شین‌دشتگل، هلنا. (۱۳۸۳). متن نوشتاری نسخه خطی معراج‌نامه میرحیدر. کتاب ماه هنر، (۷۱ و ۷۲).
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۸۰). تاریخ ادبیات ایران. تلخیص از محمد ترابی. جلد دوم. تهران: فردوس.
- گوهرین، سیدصادق. (۱۳۶۸). شرح اصطلاحات تصوف. جلد سوم. چاپ اول. تهران: زوار.
- لاهیجی، محمد. (۱۳۷۱). مفاتیح‌الاعجاز فی شرح گلشن راز. مقدمه تصحیح و تعلیقات محمدرضا برزگر خالقی و عفت کرباسی. تهران: زوار.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۴). تفسیر نمونه. جلد ۲۲، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- موسوی همدانی، سیدمحمدباقر. (۱۳۵۳). تفسیر المیزان. جلد ۲۵، تهران: خوشه.
- میرجعفری، حسین. (۱۳۸۱). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمنان. چاپ سوم. تهران: سمت.
- هال، جیمز. (۱۳۸۳). فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب. ترجمه رقیه بهزادی. تهران: فرهنگ معاصر.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۸۳). شعر فارسی در عهد شاهرخ (نیمه اول قرن نهم) یا آغاز انحطاط در شعر فارسی. تهران: دانشگاه.